

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

چگونگی "توهّمات طالب‌ها" و شکل‌گیری تهدیدات جدید تروریستی مذاکره بمنظور اداره جنگ یا یافتن راهی برای قبول شکست؟ بی‌مزه‌ترین سناریو‌هایی که تا کنون نگاشته شده

سیاست اعلام شده توسط یک نهاد و سیاست عملیاتی توسط نهاد دیگر
چالش سیاسی با بُعد نظامی و نه چالش نظامی با بُعد سیاسی
اقداماتی که سبب تغییر قاعده بازی می‌گردد
عده‌ای به معامله خوگرفته بودند

توهم حس و درک موضوع، روند و پدیده‌ای است که واقعیت بیرونی و عینی نداشته باشد، اما افراد متوهم حس و درک خود را واقعی پنداشته و درواقعی بودن آن تردید نکنند. مفهوم توهم اما درحوزه مختلف علوم انسانی و اجتماعی بقصد و هدف دیگری بکاربرده شده است که نشانه اختلال و بیمار ی روانی نمی‌باشد. درعالم سیاست و ادبیات سیاسی، فرد یا افراد دارای "توهم سیاسی" دراکثرمو ارد مبتلا به بیماری روانی یا اختلال روانی نیستند، حس و درک غیرواقعی، ندیدن واقعیت و یا تحریف و تغییر آن در این دست افراد ایدئولوژیک، نظری و سیاسی است که می‌تواند عمدی و آگاهانه و یا سهوی یا نا آگاهانه باشد. برخی از روانشناسان و روانپزشکان نوعی از توهم "غیرکاذب" را نیز مطرح نموده‌اند که در این نوع توهم، برخورد متوهمانه با واقعیت بیرونی و عینی دلایل روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه داشته و بر مبنای منافع مالی و معنوی و تصورها و تفسیرهای فردی، گروهمی و طبقاتی استوار است. توهم سیاسی یا وهم سیاسی و تصور باطل سیاسی، تصویری ایزکتیف (عینی و واقعی) می‌باشد. اما در مورد تصورات باطل سوپزکتیف (ذهنی) نیز بحث‌هایی مطرح شده است. شاید درست‌تر این باشد که بجای "توهم سیاسی" از مفهوم اختلال‌های حسی و ادراکی استفا ده شود و این حالتی است که فرد واقعیت را بگونه‌ای تغییر شکل یافته و تحریف شده می‌بیند و یا می‌نماید. مفهوم هذیان‌های سیاسی نیز تا حدودی به مفهوم توهم سیاسی نزدیک می‌شود. توهم و هذیان سیاسی می‌تواند همراه با بزرگ‌نمایی و یا خوارداشت و کوچک‌نمایی موضوع، روند و پدیده‌ای همراه باشد. مفاهیمی همچون توهم ریالیستی و تخیل خلاق نیز مطرح شده است. تخیل خلاق در پیوند و تعامل با واقعیت، بر روندهای سیاسی و اجتماعی تأثیر گذار بوده است.

بر بنیاد اطلاعات و خبرهای بنشر رسیده، در امتداد ماه‌های پایانی سال پار، با سهمگیری و شرکت نماینده‌های کشور های روسیه، چین، هند، ایران، قزاقستان، قرغیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان و با غیبت نماینده‌های پاکستان، پنج نشست بمنظور بررسی اوضاع و چگونگی وضعیت در کشورما گشایش یافت. بر بنیاد اطلاعات منابع رسمی و گزارش‌هایی، شرکت کنندگان نشست یادشده، به بحث در مورد اقدامات عملی تکمیلی بمنظور حل و فصل قضا یای پیرامون کشورما، آمادگی شان را برای تقویة مقابله مشترک با تهدیدهای تروریستی در کشورما اعلام نمودند. اطلاعاتی موجود است ک اقدامات اضافی سیاسی بمنظور کاهش تنشج و تغییر وضعیت در کشورمورد بحث قرار گرفته و اعلام نمودند که قصد دارند تا امرمقابله مشترک با تهدیدهای تروریستی در کشورما را تقویت نمایند. آنها در زمینه اقدامات چند جانبه ضد تروریستی، قطع کانال‌های تأمین مالی تروریزم، تشدید همکاری در عرصه مبارزه علیه تروریزم فراملی و جنایت‌های سازمان یافته، مبارزه علیه تجارت غیرقانونی سلاح و مواد مخدر و همچنان انجام اقداماتی علیه مهاجرت‌های غیرقانونی با اقدامات عملی متوسل گردیده تا به نتایج قابل قبولی در عرصه‌های یادشده نایل گردند. مزید بر آن، اهمیت پابندی به تعهدات بین المللی مقامات کنونی "طالب‌ها" بمنظور مقابله با تروریزم و افراط‌گرایی، جلوگیری از قاچاق مواد مخدر و همچنان تشکیل و پایه‌گذاری دولت متوازن قومی - سیاسی و احترام بحقوق بشر از سوی مقامات کنونی کابل مورد توجه قرار گرفت. نباید فراموش خاطرما گردد که همه باین واقعیت معترفند که یک

سال ونیم میشود که "طالب"ها در کابل به تصرف حاکمیت درکشورنایل گردیده و با وجود همه مسایل و موارد موجود، موفق گردیدند تا زیر بار معضلات و مشکلات موجود از شکست و ریختنهای ارکان موجود حاکمیت شان بویژه در امتداد ۲۰ سال پسین جلوگیری بعمل آورده و همچنان مانع فروریزی ارکان تشکیلات شان اگر بشکل ظاهری هم باشد، گردیده و مبارزه علیه فساد را نیز آغاز نمودند. "طالب"ها خود اظهار می نمایند که فساد در دستگاه آنها اندکتر شده و رشوه خوار و سواستفاده ریشه کن گردیده است، اما هیچکسی نمی داند که در واقعیت امر، وضعیت از چه قرار است. اما آیا همه موارد گفته آمده را که "طالب"ها مدعی آند، می توان بمثابة دستاورد محسوب نمود؟

قابل یاددهانی پنداشته می شود که خشونت در کشور همچنان ادامه دارد. بهمین دلیل، بسیاری از تحصیلکرده ها که می توانستند برای کشور و شهروندان افغان مفید و مؤثر واقع گردند، ناگزیر به ترک کشور گردیدند. در مجموعه "طالب"ها، بگونه های آشکار و نهانی، میان "طالب"های تندرو و "طالب"های متعادل و میانه رو، انشعاب هایی عرض وجود نموده است. در اینمورد، سخن از "طالب"های کندهاری برهبری ملا یعقوب و زیردفاع و سراج الدین حقانی که در رأس "شبکه حقانی" قرار دارد، مطرح بحث می باشد. چنین پنداشته می شود که اولی، بگونه کلی به ایالات متحده و قطر و دومی هم باستخبارات داخلی پاکستان متمایل می باشد. "شبکه حقانی" دارای پیوندهای محکمی با "القاعده" نیز می باشد. بخاطر باید داشت که جدال میان فرکسیون های "طالب"ها، بیش از سایر موارد موجود، سبب عدم درک بموقع مسؤلیت ها و مانع اجرای وظایف مطروحه در مجموعه حکومتداری درکشور می گردد. بحران بشری درکشور بیداد می کند. شرایط نامطلوب در سرزمین افغان ها را شدیدترین زمستان و وضعیت اسفناک زندگی، کمبود مواد خوراکی و نبود وسایل گرم کننده و مشکل سرپناه و... بیش از پیش تعمیق نمود. در امتداد زمستان سال پار، درجه حرارت در برخی از مناطق کشوری منفی ۳۴ درجه نیز تنزیل نمود که در نتیجه، مطابق آمار و ارقام اعلام شده رسمی، بتعداد ۱۶۶ تن از شهروندان کشور از هستی ساقط گردیدند. در نتیجه سردی زمستان سال پار و نبود و کمبود علوفه مورد ضرورت حیوانی، بتعداد ۲۶۰ رأس از حیوانات خانگی نیز تلف گردیدند. اما با وجود اینهمه، هیچکسی نمی تواند تصویر وضعیت را از فروپاشی و سقوط حاکمیت کنونی ارانه نماید.

خانوارهای بیشماری از شهروندان کشور از ابتدایی ترین و ضروری ترین وسایل زندگی محروم اند. احتمال گستردگی کتله های بیشماری از فقراً در سراسر کشور که بمنظور زنده ماندن تعلقاً می نمایند، بخش دیگری از واقعیت های درد ناک زندگی جامعه افغانی بشمار می آید. همچنان در امتداد سال پار، شهروندان کشور با خشکسالی بی سابقه ای دست و پنجه نرم نمودند. ممکن در جریان سال روان نیز وضعیت ذکر شده همچنان تکرار گردد. در امتداد دوسال پسین، کمبود و نبود آب بگونه فاجعه آمیزی، سبب ساز ایجاد معضلات بیشماری برای شهروندان کشور گردید. با یست خاطر نشان گردد که خشکسالی طولانی مدت و دشوار سال پارد در تاریخ کشور عزیز ما بیسابقه پنداشته می شود. تاکنون، وعده های "طالب"ها مبنی بر ریشه کن نمودن زرع و کشت خشخاش و منع تولید مواد مخدر در کشور از قوه بفعل مبدل نگردید است. بر بنیاد آمار و ارقام منتشره توسط سازمان ملل، مزارع کشت خشخاش بمقایسه سال قبل از آن، ۳۲ درصد وسعت حاصل نموده است. بیشترین بخش اراضی یاد شده در ولایت های نیمروز، کندهار، هلمند، ارزگان و ذابل موقعیت دارند.

کشور عزیز ما متأسفانه به بخش های متفاوتی تقسیم شده است، "طالب"ها قادر نشدند تا مبدل به نیرویی گردند که سبب ساز وحدت و همبستگی شهروندان کشور گردد، گروه های قومی و مذهبی از مقامات رهبری کشور کنار گذاشته شدند که بخودی خود، عدم رضایت نیروهای متعلق به ملیت ها و نژادهای دیگر را سبب گردیده که می توان آنرا از جمله دلایل ایجاد و پایه گذاری اپوزیسیون ضد طالب بشمار آورد. در اینمورد اظهار نظرهایی نیز موجود می باشد که در وضعیت کنونی و شرایط حاضر، در اراضی متعلق بکشور عزیز ما، بیشتر از ۲۵ گروه بندی بین المللی تروریستی نیز وجود دارند. ساختارهای یاد شده، بیش از سایر موارد به پیروی از ایدئولوژی سلفی مبادرت ورزیده و به هدف از میان برداشتن حاکمیت های مدنی غیر مذهبی و ایجاد و برپایی خلافت اسلامی که در برگیرنده اراضی متعلق به افغانستان و بخش هایی از پاکستان و چین می باشد، سعی می ورزند. این پرسش بگونه طبیعی مطرح می گردد که چه باید کرد؟

نخست از همه وقیل از سایر موارد، وضعیت کنونی را بایست شناخت و بدین منظور، با مقامات کنونی کشور یعنی با "طالب"ها باب مذاکره و گفت و شنود را باید گشود. شهروندان کشور ما خود باید در مورد سرنوشت خود و کشور شان باتخاذ تصمیم های قابل حصول مبادرت ورزند.

اگر "طالب"ها بگونه واقعی خواهان رشد و شکوفایی جامعه افغانی می باشند، بنابراین باید تمامی سعی و تلاش شان

را بمنظور متحد نمودن و یکپارچه ساختن جامعه چند ملیتی و چند مذهبی افغانستان معطوف نمایند. بمنظور دستیابی به هدف یادشده، اصل گفت‌وگو سیاسی در کشور باید در دستور کار قرار داده شود. به یقین کامل که بدون مفاهمه و مصالحت با شهروندان اجتماع منقسم شده افغانی، اصل نمی‌توان از بحران کنونی کشور جان سلامت برد. اگر "طالب" ها چنین مسیری را نیز مردود شمارند، به یقین که درگیری‌ها در سرزمین کشور ما با نیروهای جدیدی بیش از پیش قوت حاصل خواهد نموده و دامنه آن نیز وسیع تر گردد.

اما قابل یاددهانی پنداشته می‌شود که از جمله شرایط ضروری بمنظور رشد و توسعه کشور عزیز ما افغانستان، اصل همگرایی در عرصه مناسبات اقتصادی با دول کشورهای منطقه، از موارد عمده بحساب می‌آید. بمنظور دستیابی به مأمول فوق، منابع بشری و طبیعی ضرورت می‌باشد. همچنان بمنظور رهبری امور مربوط به کشور، با اقتصاد دانان، سازماندهندگان امور تولیدی، حل و فصل معضله بوجود آمده در عرصه آموزش و فراهم نمودن زمینه‌های اشتغال بانوان کشور، باید در دستور کار آنها قرار داده شود.

در نهایت امر، "طالب" ها باین واقعیت باید گردن نهند که آنها در موقعیتی قرار ندارند تا خواهش‌ها و آرزوهای خود را به جامعه جهانی دیکته نموده و همه موارد را از آنها بدون ارائه حداقل موارد، مطالبه نمایند. این در نوع خود، بمثابه واقعیت مسلم پذیرفته شده است که در راستای ذکر شده، تشدید لفاظی‌ها از جانب برخی از کشورهای منطقه در مورد رژیم کابل - کندهار کاملن طبیعی بنظر می‌رسد.

اما تذکر این مسأله لازمی پنداشته می‌شود که بتاريخ اول ماه حمل سال روان، مایکل ماکون، رئیس کمیته مسایل بین المللی کانگرس ایالات متحده از وزیر امور خارجه کشورش مطالبه نمود تا قبل از همه، در مورد نتایج فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان، به نمایندگان کانگرس توضیحاتی ارائه نماید. نامبرده همچنان ادامه داده افزود که مدتی قبل، نامه ایی بارتباط امتناع همکاری وزارت امور خارجه ایالات متحده با کمیته یادشده، از آنتون بلیکن تقاضا بعمل آمد تا اسناد و مدارک مربوط ب خروج فاجعه بار نظامیان ایالات متحده از افغانستان را در اختیار آنها قرار دهد. همچنان در نامه یادآوری بعمل آمده که در اختیار قرار دادن تمامی قرارها و ملاقات در مورد فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان، برای آنها از اهمیت مبرمی برخوردار می‌باشد. نامبرده همچنان متذکر گردید که در صورت امتناع همکاری مقامات در زمینه یادشده، کمیته یادشده ناگزیر خواهد گردید تا اسناد و مدارک یادشده را از طریق مراجع عدلی و قضایی بدست آورد.

بربنیاد اطلاعات و خبرهای بنشر رسیده، بلینکن در مورد سیاست خارجی کشورش باید به کانگرس آنکشور معلومات ارائه نماید که عمده ترین مسأله مورد بحث در آن، ارائه توضیحات درباره وضعیت دیپلوماسی امریکایی در امتداد سال روان، بویژه در قبال درگیری‌های در حال گسترش، معضلات بودجوی و رقابت‌های قدرت‌های جهانی می‌باشد.

همچنان در نامه یادشده تذکر بعمل آمده که کمیته مسایل بین المللی کانگرس از وزارت خارجه آنکشور خواهان دستیابی ب اسناد و مدارک فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان بوده و اما متأسفانه، پاسخ‌های یادشده اصلن مورد تأیید اعضای کمیته قرار نگرفته و قناعت آنها را نتوانست فراهم نماید.

قابل یاددهانی پنداشته می‌شود که ۱۸ ماه پس از سقوط و فرو ریزی حاکمیت سیاسی در کشور، پرسش‌های بیشماری در مورد فراخواندن نظامیان امریکایی بکشورشان، همچنان بدون پاسخ باقی مانده است. در نامه همچنان تذکر بعمل آمده که کمیته یادشده مسؤلیت دارد تا در مورد ارتکاب اشتباهات در امر خروج نظامیان امریکایی از افغانستان، تحقیق نموده و در مورد آن راه‌ها و طرق عملی بیاندهد تا در آینده‌ها، وضعیت اینچنینی تکرار نگردد.

چنانچه بهمگان واضح و روشن می‌باشد که در امتداد ماه‌های پایانی سال ۱۴۰۰، "طالب" ها بیش از هر زمان دیگری، به تشدید عملیات شان تلاش ورزیده، حملاتی را علیه نیروهای مسلح کشور انجام داده و بتاريخ ۲۴ ماه اسد وارد کابل شده و یکرز پس از آن اعلام نمودند که بیشتر از این، به جنگ و درگیری‌های مسلحانه در کشور نقطه پایان گذاشته شد. در امتداد دو هفته آخر ماه اسد، تمامی کارمندان غربی همراه با همکاران محلی (افغان‌ها) و عده بیشماری از شهروندان کشور ما تخلیه گردیدند.

در امتداد شب ۹ ماه سنبله، نظامیان امریکایی، میدان هوایی کابل را ترک نموده و بدین ترتیب، بحضور ۲۰ ساله ایالات متحده در اراضی کشور ما نقطه پایان گذاشته شد.

شنبه ۵ ماه حمل سال ۱۴۰۲ خورشیدی برابر با ۲۵ ماه مارچ سال ۲۰۲۳ ترسایی